

پاسداشت قهوه خانه‌ای که فرهنگ می‌فروخت

درباره نقاشی قهوه خانه‌ای و نقش آن در فرهنگ عمومی جامعه در ایام محرم

امیرمنصور رحیمیان

یادداشت

آن قدرهاهم از روزگار نقالی در قهوه خانه‌ها نمی‌گذرد. ولی نقاشی قهوه خانه‌ای و آدم‌های آن دارند به‌فراموشی سپرده می‌شوند. یاد می‌آید وقتی خیلی کم‌سن‌وسال‌تر از این بودم، با پدرم پنجشنبه آخر هر ماه به قهوه خانه‌ای حوالی خانه‌مان می‌رفتم؛ جایی اصیل و با آبرو که مثل قهوه خانه‌های حالانبود و شأن و شخصیتی برای خودش داشت. هیچ وقت در آن حوالی، دعوا و بی‌نواکتی رخ نمی‌داد و قهوه خانه بیشتر از اینکه قلیان و چای بفروشد، فرهنگ می‌فروخت. مامثل خیلی‌های دیگر آخرین پنجشنبه‌ها هر ماه رابه سودای خریدن فرهنگ به آنجاسر می‌زدیم؛ کالایی که فروشنده اش سوار بر دوچرخه فونیکس مشکی رنگی می‌آمد. اول صدای رکاب دوچرخه و زنگ‌های کوتاهش را می‌شنیدیم و بعد، پیرمردی خوش‌رو با صدای ر که دار و سبیل پر پشت وارد قهوه خانه می‌شد.

همیشه هم پارچه‌ای کرباس را با دقت تا کرده و زیر بغلش گذاشته بود؛ مرشد و نقالی که انگار تمام‌مادر را جاهایی آوردار، مثل همان قهوه خانه دور می‌زد. ولی نوبت ما آن پنجشنبه موعود بود. مرشدعلی می‌نشت، پارچه را از زیر بغلش درمی‌آورد و با احترام می‌گذاشت کنار دستش و بعد، یکی دو چای قندپهلومی خورد. بعد آن به‌فراخور همان روزها، پارچه کرباس چرم دوزی شده اش را باز می‌کرد و به کمک شاگرد قهوه چی

به دیوار بزرگ وصل می‌کرد.

در روزهای عادی پرده‌هایی با نقش رستم و سهراب و جنگ‌های آن‌ها و در روزهای محرم و قبل از آن، پرده‌هایی با نقش امام حسین^(ع) و حضرت علی اکبر^(ع) و کربلا با خودش می‌آورد.

چوب نازک و بلندی هم داشت که با آن شکل‌ها را نشان می‌داد و داستان‌ها را تعریف می‌کرد؛ داستانی که بیشترش شعر بود و هیچ وقت هم تکراری و خسته‌کننده نمی‌شد. مرشدگاهی برای کم‌کردن تلخی داستان اصلی، افسانه‌ها و حکایت‌هایی

در این زمینه اعلام و احساس خطر می‌کنم. نکته دوم

این است که نمایشنامه‌های موجود و کنونی متأسفانه به ایده‌های مدرن گرایش زیادی پیدا کرده است. ما نباید فراموش کنیم که نمایشنامه‌ها و فیلم‌نامه‌ها برآمده از مفهوم و شاخه‌ای از ادبیات به نام ادبیات نمایشی هستند. من روی کلمه ادبیات تاکید می‌کنم، چون آنچه امروز در آثار موجود با نقد و قضاوت منفی من روبه‌روست، فراموش شدن بخش مهم ادبیات در این آثار است. بچه‌های نو قلم به‌آوازه پردازی و به خدمت گرفتن کلمه‌ها برای انتقال مفاهیم، بی‌توجه به نظر من حتی با آن بیگانه‌اند، بنابراین ما با نوشته‌هایی روبه‌رو می‌شویم که تعدادی نسخه تجویزی برای تولید هستند؛ یعنی به مخاطب می‌گویند من را چگونه اجرا کن و دیگر به این بخش که ارزش ادبی دارند یا نه اهمیت نمی‌دهند.

منشأ این مشکل محتوایی

● اشاره کردید، کی‌جاست؟

این اتفاق از بیگانگی افراطی نسل جوان با ادبیات خودمان و با سرچشمه‌های ادبی کشورمان، به‌عنوان سرمایه‌های واقعی، نشئت می‌گیرد. اگر اوضاع بر همین منوال پیش برود، من به آینده نمایشنامه نویسی ایران

اصلا خوش بین نیستم.

● بیگانگی نسل جوان با ادبیات از کجا ناشی می‌شود؟

یکی از علت‌های آن، ضعف سیستم آموزشی و روی کار بودن معلمان ناشایست است. متأسفانه در عرصه فرهنگ و در رشته تئاتر، استادان شایسته ما کم‌شمار هستند و بیشتر افرادی که الان تدریس می‌کنند، فقط «مدرک» این رشته را دارند و به لحاظ تجربی، سابقه واقعی و عملی ندارند. علاوه بر این، سرانه مطالعه کشور ما به جای روبه‌رشد بودن، روبه کاهش است؛ و به‌ویژه با تسلط فضای مجازی و اطلاعاتی‌ها یک جست‌وجوی ساده در یکی از این موتورهای جست‌وجوگر فعال به کار بر می‌دهند. عملا میل به خواندن کتاب در جوان‌ها کمتر شده است. من این دونکته را موثر و مقصر می‌دانم اما اینکه چگونه می‌شود آن‌ها را رفع کرد، نمی‌دانم یا بهتر است بگویم نمی‌دانم. باچه‌عواملی می‌شود به جنگ چنین خسارتی رفت، چون حل آن از عهده افراد خارج است. من فقط می‌توانم در مقام شخصی و حقیقی خودم به عنوان یک هنرمند، سعی کنم کالانی در فضای مجازی

و برای اولین بار زمستان ۱۴۰۰ آنگیری شد. این بند به گونه‌ای طراحی شده است که دهانه سرریز آن به سمت شوره زار است و مانع ورود آب به سمت ایران می‌شود که این مسئله، معضل اصلی بند به‌شمار می‌رود. اسلام زاده بیان کرد: دی ماه سال گذشته بین دو جشنواره «حقیقت» و فیلم فجر، به افغانستان سفر کردم و بعد از گذشت ۱۶ روز به ایران بازگشتم؛ البته با سختی‌های بسیاری در این زمینه مواجه بودیم. در این میان، سفری نیز به سیستان داشتم تا برخی تصاویر مدنظر خود را در این استان جلوی دوربین ببرم. کارگردان مستند «تنه‌هایمان طالبان» بیان کرد: معضلات و مشکلات آب بین

از آن‌ها بدون درنظر گرفتن این احساس، انگار چیزی کم دارد. این عشق به گذشته و هنر متاخر در تاروپود زیست ایرانیان، چنان تنیده که عضو جدایی‌ناپذیری از تعریف آدم‌های این جغرافیا شده است؛ آدم‌هایی که زیاد هم دور و گم نشده‌اند. زیاد هم گرفتار اموشی روی آن‌ها را نگرفته است. به‌نظم و وظیفه‌ماست که بازدیدشان را پس بدسیم و از این آدم‌ها که با نقش‌ها و تمثال‌ها روی پارچه‌های کرباسی، خود با پای پیرشان، به دیدارمان می‌امدند، دلجویی کنیم. الان وقت قدر دانستن تمام آن خاطراتی است که برای کودکان آن موقع و بزرگ سالان حالا، درست کرده‌اند؛ چون صحنه‌های عاشورا در ذهن بسیاری از ما آن گونه است که در پرده‌های اصیل نقالی قهوه خانه‌ای نقش شده بود، نقاشی‌هایی که در آن‌ها، روزنهم و دهم محرم را در یک جا جمع می‌کردند.

حالا زمان گرامیداشت هنرمندانی است که پای کشیدن این پرده‌ها، روضه می‌خواندند و اشک می‌ریختند و به تنهایی خود واقعه‌ای عاشورا بودند. صحنه نبرد عباس، صحنه پراندن تیر به گلولی علی اصغر، زانو زدن حضرت کنار پیکر حضرت علی اکبر^(ع)، و آن طرف می‌برد. ولی همه چیز در جان من و همه بچه‌ها و آدم‌هایی که در آن مراسم بوده‌اند، ته نشین شده است. هنوز هم وقتی از پشت پنجره، زنگ دوچرخه می‌شنوم، منتظرم مرشد از در داخل بیاید. بعضی چیزها با فرهنگ مردم ایران زمین طوری آمیخته شده است که نمی‌شود مردم ایران را بدون آن‌ها تعریف کرد و هر تعریفی

رالا به لای داستان‌ها جامی داد و آن‌ها

را پس و پیش می‌خواند. ولی یادم است که هرچه زور می‌زد، نمی‌توانست جلوی

اتفاقی را که افتاده بود، بگیرد.

نمی‌شد عکس العمل غیراادی اش را شکل

دیگری نشان بدهد. هروقت می‌رسیده اسم

حضرت علی اکبر و حضرت علی اصغر یا شرح

مقتل امام حسین^(ع) و حضرت عباس^(ع)،

نمی‌توانست جلوی خودش را بگیرد و بلند

بلند، گریه می‌کرد. هروقت هم می‌رسید

به شرح رشادت آن‌ها، پشت چشمانش برق

می‌زد و صدایش را بالا می‌برد. از آن روزها

و تلگرام‌ها را ببیند از مرد آن، مدام برای علاقه‌مندان رایگان کتاب بخوانم؛ یعنی شخصا کتاب صوتی تولید کنم و به رایگان در اختیار آن‌ها قرار دهم. ولی این صدای یک نفره مگر به گوش چند نفر می‌رسد؟ بدیهی است که یک سیستم و عملیت فراگیر دولتی، باید وارد عمل شود تا چنین مشکلی را حل کند. درواقع من در فضا‌های خصوصی به خاطر اینکه اتصالشان با سیاست‌گذاری‌های کلان کم است، این قدرت را نمی‌بینم که به جنگ چنین ضعف سیستماتیک و ساختاری بروند.

● اینکه این روزها بیشتر نمایشنامه‌های خارجی، یا به صورت اقتباس یا به صورت ایرانی شده اجرا می‌شوند را هم نگران کننده می‌دانید؟

من مخالف اجرای نمایشنامه خارجی نیستم و به‌نظم اجرای نمایشنامه‌های خارجی به شدت به تغذیه

نمایشنامه نویس‌های ایرانی کمک می‌کند؛ چون آن‌ها در رقابت با ستون‌های نمایشنامه نویسی جهان، می‌توانند خودشان را بالا بکشند و در رقابت با یکدیگر، مت‌تنها نگران هستم که نمایشنامه نویسان ایرانی ما خارجی بنویسند، یعنی اسام شخصیت‌ها، فضا و موقعیت

جغرافیای داستان‌شان رنگی باشد.

من خودم این کار را انجام‌دادم

ولی مثلاً میان ۴۰ کتابی

که چاپ کرده‌ام، فقط دو

عنوان این ویژگی را دارد. اما

الان جوان نو قلم از میان سه

نمایشنامه‌ای که نوشته است،

دومورزش خارجی است. زمانی

هم که علتنش را از آن‌هامی‌پرسم،

می‌گویند آنچه در ذهنشان هست،

نمی‌گذارند در فضای ایرانی اجرا

شود. اما من هرچند نمایشنامه

آن‌ها را می‌خوانم، متوجه

نمی‌شوم چه چیزی آن قدر

حساس و خاص بوده

که نمی‌گذاشته است

در فضای ایرانی اتفاق

ببفتند. به‌نظم من، اقتباس

از نمایشنامه‌های خارجی

دو کشور ایران و افغانستان، بسیار مهم است که از نظر من، هم مردم و هم مسئولان امر که برای مذاکرات آب با مسئولان افغانستان دیدار می‌کنند، باید این مشکلات را بدانند؛ چون سال‌هاست اخبار مختلفی درباره تالاب هامون شنیده می‌شود و در کنار آن، خشک‌سالی که مردم سیستان درگیر آن هستند، نیز بسیار مهم است. وی تأکید کرد: در این وی بیان کرد: با سختی‌هایی که پشت سر گذاشتیم، خوشبختانه مستند «میراب» یک اثر خوب به‌شمار می‌رود و باتوجه به اینکه دوباره بحث آب پیش کشیده شده است، الان بهترین زمان برای نمایش این فیلم مستند است.

خبر ویژه

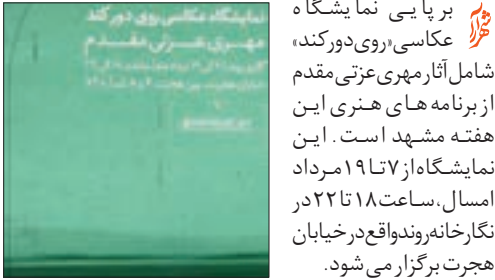
سوگواره «خورشید نینوا» در مشهد



اولین رویداد سوگواره محرم، خورشید نینوا، به مناسبت آغاز ماه محرم با حضور گروه‌های هنری و آیینی در مشهد برگزار می‌شود. در این رویداد آیینی و مذهبی که اداره فرهنگی و اجتماعی شهرداری مشهد برگزار می‌کند، آثار نمایشی در دویخش خیابانی و صحنه‌ای، مضامین مرتبط با زندگی و سیرامام حسین^(ع) و وقایع کربلا را روایت می‌کنند. بنا بر این گزارش، در بخش صحنه‌ای، نمایش «خورشید کاروان» به کارگردانی علی آزاد نیا و اصغر لشکری در سالن اصلی تئاتر شهر، «میهمان نیمه شب» به کارگردانی محمد ابراهیمی در فرهنگسرای ترافیک و «رویای صادقانه» به کارگردانی مهدی وحیدی در فرهنگسرای غدیر از ۱۸ مرداد به مدت ۲۰ شب روی صحنه می‌روند و نمایش «دل بسته» به کارگردانی عباس جانفدا بعد از نمایش «خورشید کاروان» در سالن اصلی تئاتر شهر مشهد اجرا می‌شود. همچنین نمایش‌های خیابانی و تغز به از ۱۷ تا ۱۸ مرداد در بوستان کوهسنگی، رود پارک، بوستان جهان شهر، کودکانستی شهید باانظر و بوستان اردیبهشت اجرا می‌شوند.

نگارستان

برگزاری «روی دور کند» در «روند»



اخبار هنری مشهد

چاپ «ورشو»؛ اثر نمایشنامه نویس مشهدی



نمایشنامه «ورشو» به نویسندگی علی حاتمی‌نژاد، هنرمند تئاتر مشهد، را انتشارات مروراید منتشر کرد. «ورشو» مضمونی تاریخی دارد و درباره لهستانی‌های آواره جنگ جهانی دوم است که در سال ۱۹۴۱ وارد وگا‌های در سبیری به سمت ایران حرکت می‌کنند و این برخلاف اغلب روایت‌هاست که می‌گویند آن‌ها از سمت آنزلی ورشت به تهران و در ادامه اصفهان می‌رسند. این نمایشنامه به ورود حدود ۷۰۰ تن از این آوارگان از طریق عبق آباد به مشهد اشاره می‌کند و نگاهی هم به گورستان لهستانی‌ها دارد که اکنون در مشهد است. در «ورشو»، قصه یک خانواده لهستانی آواره مرکز ثقل درام است که در مشهد حضور دارند و مدام در رویا از مشهد به «ورشو» پایتخت لهستان در رفت‌وآمد هستند.

راه‌اندازی موزه سینمای ایران در اطلس مشهد



بخشی از موزه سینمای ایران در پردیس سینمایی اطلس مشهد راه‌اندازی می‌شود. سارا خسروی، مدیر پردیس سینمای اطلس، با بیان این خبر گفت: شهر مشهد و استان خراسان همیشه به‌عنوان پایگاه دوم سینمای ایران مطرح بوده‌اند و هدف از این کار معرفی گوشه‌ای از تاریخ سینمای ایران به علاقه‌مندان سینماست. وی افزود: این موزه در پردیس اطلس، مشتمل بر سه فاز است که یک فضا به تالار نام‌آوران سینمای ایران به عنوان فاز اول اختصاص دارد و فاز دوم، راه‌نمایش تعدادی از تجهیزات موزه سینما اختصاص خواهیم داد و تالار معرفی تاریخ سینمای ایران هم در فاز سوم در حال اجراست.

راه‌یابی اثر مشهدی‌ها به جشنواره مولیزه ایتالیا



در اولین فیلم کوتاه شبیانی که از هنرمندان مشهدی به عنوان عوامل گروهش استفاده کرده است، سپیده مذهب، اسماعیل قاسمی و امیر احمد صادقی زاده بازی می‌کنند و محمد طه‌ان و سیمیه‌بین الملل بیستمین دوره جشنواره مولیزه ایتالیا

راه یافت. در اولین فیلم کوتاه شبیانی که از هنرمندان مشهدی به عنوان عوامل گروهش استفاده کرده است، سپیده مذهب، اسماعیل قاسمی و امیر احمد صادقی زاده بازی می‌کنند و محمد طه‌ان و سیمیه‌بین الملل بیستمین دوره جشنواره مولیزه ایتالیا راه‌یابی به عنوان مدیر فیلم‌برداری و احمد شاد کامی به عنوان مشاور فیلم‌نامه حضور دارند. جشنواره مولیزه ایتالیا با تمرکز بر نوگرایی و خلاقیت هنری در شیوه نمایش روابط میان فرهنگ‌ها و انسان‌ها در چهار بخش رقابتی به اکران آثار منتخب از سراسر جهان اقدام می‌کند. بیستمین دوره این جشنواره از دوم تا هفتم آگوست در شهر کاسا کالدای ایتالیا برگزار می‌شود.